

نقش و کارکرد نیروهای مسلح در تحقق امنیت ملی (مطالعه موردی: نیروی

انتظامی ج.ا.ایران)

احمدرضا فراشی^۱، کامل کیانی نسب^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

از صفحه ۱ تا ۴۲

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی شرق استان تهران

سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

امروزه سازمان پلیس در تمامی کشورهای جهان نقش مهمی را در فرایند تأمین امنیت و مبارزه با تهدیدهای آن ایفا می کند. پلیس مظهر و نماد عدالت و مبارزه با ظلم، قانون گریزی و تجاوز به حقوق دیگران است. نیروی انتظامی ج.ا.ایران نیز به مثابه یکی از نهادهای مهم و بنیادین اجتماعی و امنیتی دارای وظایف و مأموریت های خطیری در فرایند تأمین امنیت پایدار و مراقبت از آن است. به دنبال تحولات مثبت سالهای اخیر در نظام برنامه ریزی کلان کشور برنامه های توسعه با جهت گیری دستیابی به ویژگی های افق مقصد تنظیم و تدوین شود.

برهمن اساس از دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط زیستی و در سطوح منطق های و بین المللی است. در این میان امنیت، یکی از این مؤلفه ها محسوب می گردد که خود بستری برای شکل گیری مؤلفه های دیگر انگاشته میشود.

متولی امنیت اجتماعی در جامعه بر عهده نیروی انتظامی است که این مقوله در ابعاد مختلفی نقش مهمی در امنیت ملی دارد. منظور از امنیت اجتماعی موردنظر ناجا، آن بخش از اقدامات ایجابی دولت است که در راستای ارتقا و تأمین امنیت اجتماعی صورت میگیرد که در حوزه مأموریت های ناجا قرار دارد. محقق تلاش نموده تا این نقش را کاملاً برجسته سازد و سهم آن را در تأمین امنیت اجتماعی کشور مشخص کند. در این تحقیق به وظایف مهم ناجا در حفظ امنیت اجتماعی مانند پیشگیری از وقوع ناهنجاریها و جرایم اجتماعی، نظارت بر حفظ انضباط اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی، تعامل اجتماعی با نهادها، سازمانها و بخش خصوصی و ارائه خدمات اجتماعی می باشند پرداخته شده است. و از سوی دیگر نقش ناجا در مرزبانی، مدیریت بحرانها و اغتشاشات با توجه به نقش محوری ناجا در این خصوص و همچنین یکی از اعضای شورای تأمین مبرهن است. بر اساس نتایج بررسی، تهدیدهای امنیت اجتماعی در ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارباب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی، دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان است.

کلید واژه ها

امنیت، امنیت ملی، امنیت اجتماعی، تهدیدهای امنیت، امنیت داخلی، حقوق شهروندی.

۱- دافوس، دانشگاه جامع امین، نویسنده مسئول

۲- کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

مقوله امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد، از نظر تبارشناسی مفهوم امنیت دارای سابقه است. نخستین مباحث فلسفی و سیاسی امنیت را در جامعه و عدالت طولانی تر از مفهوم آثار افلاطون و ارسطو میتوان یافت (مؤذن جامی، ۱۳۷۶)

را شرایط امن برمی شمارد. شرایط اجتماعی را شرایط ناامنی و شرایط طبیعی هابزمقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که: با رویکردی فراگیرتر میگوید جان لاک زنده بمانیم بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ماست (همان ۵۲) منتسکیو عقیده دارد چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، بنابراین بزرگترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است. امروز مفهوم امنیت تحول یافته و دارای ابعاد تازه ای شده است. به گونهای که دولت ها امنیت را در توسعه و نه اسلحه، سراغ میگیرند؛ یعنی به جای تأکید انحصاری برامنیت داخلی به تأکید بیشتر بر امنیت مردم و به جای امنیت نظامی به امنیت در توسعه انسانی، نظر دارند. امنیت اجتماعی با موضوع هویت و مرجع گروهها و طبقات اجتماعی از همین جا در غرب شکل گرفت و در ادبیات امنیتی غرب پس از جنگ جهانی دوم به صورت رسمی وارد گردید. امنیت اجتماعی و مفاهیم دیگری چون امنیت انسانی، امنیت شهروندی و غیره در ادبیات نظری جوامع مشرق زمین به خصوص کشور ایران، سابقه چندانی ندارد. هر چند در بررسیهای تاریخی و پس از ظهور اسلام، مصادیق امنیت اجتماعی در ادبیات دینی و ملی ایران کاملاً قابل استخراج میباشد، اما عنوان این سطح از امنیت بیش از سه دهه در کشور، قدمت ندارد و اوج پرداختن و توجه به آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. این نکته حائز اهمیت است که اندیشمندان و صاحبان نظر داخلی تعاریف دقیقی از امنیت اجتماعی ارائه نداده اند. در نتیجه مرزهای مفهومی این سطح از امنیت با سطوح دیگر آن کاملاً تفکیک نشده است و هر یک به زعم و رویکرد و برداشت خود آن را بررسی کرده اند. هر چند در تحقیقات علمی و پژوهشی مرتبط با موضوع نیز این مسئله پیرامون تأثیر عوامل و پدیدههای اجتماعی بر امنیت اجتماعی، تدوین و ارائه گردیده است.



بیان مسئله

امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان ها و پیش نیاز رفع بسیاری از نیازهای بشری است. نیاز به امنیت با گسترش جوامع بشری، رواج فردگرایی و زیاده خواهی بشر به نیازی ضروری تبدیل شده است. همین امر موجب گردیده است بخش قابل توجهی از تلاش انسان ها و هزینه های کشورهای صرف تأمین این نیاز مهم بشری شود. توسعه پایدار کشور در، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، در سطوح منطقه ای و بین المللی رو به گسترش است. به هر تقدیر امنیت ملی عنصر جدایی ناپذیر سیاسی یک کشور است و همانند چیزی است که حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک ملت را پوشش میدهد. تا زمانی که امنیت ملی یک کشور وجود دارد واحد سیاسی دچار هیچ نوع گزندی نمیگردد. اما با فقدان یا ضعف آن آفت های زیادی متوجه حیات سیاسی و زندگی اقتصادی کشور میگردد (والی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳).

یکی از انواع امنیت که در سال های اخیر به ویژه در مکتب فرانکفورت به میزان بسیاری مورد توجه قرار گرفته است، امنیت اجتماعی است که تعاریف متفاوتی درباره آن بیان شده است. برخی برای تعریف آن بر مجموعه ای از شرایط مانند اهمیت عنصر هویت، تعدد ابعاد امنیت، غیرامنیتی کردن موضوعات و غیره تأکید می کنند. اگرچه ظرفیت های این مفهوم، بسیار بیشتر از آنچه است که پیروان این مکتب بیان کرده اند و می توان آن را مفهوم محوری یک گفتمان جدید دانست که بر اساس آن، درک امنیت بدون توجه به زمینه اجتماعی آن میسر نیست. بر اساس این گفتمان جدید، امنیت موضوعی برخاسته از اجتماع تلقی می شود و این باور مرجعیت می یابد که امنیت و ناامنی در هویت بازیگر نهفته است (افتخاری، ۱۳۸۵، ۱۵) برخی دیگر امنیت اجتماعی را نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر تعریف کردند (همان، ۵۶).

تنوع بسیار در تعاریف امنیت اجتماعی بیانگر عدم وفاق درباره امنیت اجتماعی و شمول آن است و متناسب با این تنوع، تهدیدهای امنیت اجتماعی نیز متعدد و متفاوت خواهد بود. از طرفی مبنای اصلی بسیاری از تعاریف مذکور، دیدگاه های غربی است که مهم ترین مسئله امنیت اجتماعی آن ها، بقای هویت گروهی است؛ زیرا در جهان جدید برای ادغام گروه های مختلف و اعطای هویت واحدی به آن ها بسیار تلاش می شود و

همین امر گروه‌ها و اقلیت‌ها را وادار می‌کند که برای حفظ هویت خود تلاش کنند (شایگان، ۱۳۹۴)، در حالی که در کشورهای غربی با تحریک گروه‌ها و اقلیت‌های سایر کشورها، آن‌ها را به تلاش‌های تجزیه‌طلبانه و ایجاد ناامنی در جامعه تشویق می‌کنند. بدین ترتیب، نگارنده فارغ از تنوع و تعدد آراء، به بررسی دیدگاه و نظریه‌ای بومی پرداخته است که متناسب با شرایط اسلامی- ایرانی کشور باشد. به همین منظور بررسی دیدگاه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به عنوان متفکر مسلمان و آشنا با امور و شرایط کشور ایران درباره امنیت اجتماعی و تهدیدهای آن مورد توجه قرار گرفت.

وجود عوامل متعدد تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی از یک طرف و عواملی از جمله: پایین بودن میزان احساس امنیت در مقوله‌های جانی، مالی، روانی و اخلاقی؛ ضعف در انجام وظیفه و ایفای نقش توسط نهادها، سازمانهای دولتی و خصوصی در تأمین امنیت اجتماعی؛ ضعف در استفاده از ظرفیتهای مشارکت مردمی و جلب آن در تأمین امنیت؛ مشخص نبودن دقیق مرزهای مفهومی و ادبیات امنیتی در سطوح مختلف امنیت از جمله امنیت عمومی، اجتماعی و فردی در مأموریت‌های ناجا؛ ضعف در تعیین دقیق مسئولیتها و وظایف ناجا و سایر نهادها در مقوله امنیت اجتماعی و نحوه ارتباط آن نهادها با ناجا؛ خلأ پیش‌بینی ساختار مناسب برای تأمین امنیت اجتماعی در قانون ناجا؛ ضعف در بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی توسط ناجا و نهادهای تولید کننده امنیت؛ فقدان الگوی بومی شده منطبق بر شاخصهای خاص امنیت اجتماعی در جامعه مردم سالار دینی ایران، از سویی دیگر عمده‌ترین مسائل و چالشهای موجود ناجا در تأمین امنیت اجتماعی میباشد (کریمایی، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به اهمیت جایگاه امنیت که نیروهای مسلح ج.ا. ایران و به طور خاص در این مقاله نیروی انتظامی ج.ا. ایران دارای چه نقش و کارکردی در تحقق امنیت ملی ج.ا. ایران را دارند که این تحقیق تلاش دارد بخشی از آنها را بررسی و تحلیل نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ادبیات موجود درباره امنیت اجتماعی و تهدیدهای آن عمدتاً ترجمه دیدگاه‌های غربیان، به ویژه صاحبان مکتب فرانکفورت است که به دلیل تفاوت شرایط اجتماعی کشور ایران با بسترهای اجتماعی این متفکران و تأثیرپذیری امنیت از وضعیت امنیتی-

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور مرجع، شاید این دیدگاه‌ها برای کشور ایران کاربرد نداشته نباشد. بنابراین بررسی آرای مقام معظم رهبری به عنوان شخصی که علاوه بر برخورداری از تفکر علمی و آشنایی بامباحث دینی، به امور امنیتی کشور و تهدیدهای آن نیز آگاه هستند، می‌تواند واقع بینانه تر و کاربردی تر باشد. تحقیق حاضر به دلیل کسب نتایجی اهمیت دارد که حاصل بررسی دیدگاه‌های بومی ایرانی-اسلامی درباره تهدیدهای امنیت اجتماعی است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به مسنولان در پیشگیری از تهدیدها یا مقابله با آن‌ها کمک کند و متفکران علمی را درمقایسه دیدگاه‌های غربی با ایرانی-اسلامی یاری نماید.

به طور کلی تأمین امنیت اجتماعی در جامعه، موجب تقویت امنیت ملی می‌گردد. چرا که مشارکت مردم با رضایت مندی و تکریم آنان توسط نیروی انتظام بخش جامعه، موجب تأمین امنیت پایدار و متکی برحکومت مردم سالار دینی شده و بسترهای لازم توسعه و رفاه در جامعه را فراهم مینماید.

مجموعه‌ی این تحقیقات نشانگر اهمیت موضوع امنیت اجتماعی برای جامعه مردم سالاری است و روش اجرایی تأمین امنیت اجتماعی در جامعه دینی نیز از مهم ترین ضرورت‌های تحقیق است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به ویژه توسط دانشگاه‌های نظامی درباره امنیت انجام شده، ولی دیدگاه مقام معظم رهبری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. برخی پژوهش‌های مرتبط در ذیل بیان می‌شود:

امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری عنوان پژوهشی است که شایگان برای سازمان مطالعات و تحقیقات نیروی انتظامی انجام داده است. در بررسی مذکور با روش کیفی و ابزار تحلیل محتوا، سخنان و پیام‌های رهبر از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته و سخنان مرتبط با امنیت اجتماعی در قالب مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعدد دسته بندی شده و به ۲۴۸ فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان/ دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ تأیید نخبگان امنیتی رسیده است. در پایان نیز

تحلیل محتوای سخنان مقام معظم رهبری درباره دو فتنه در سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ انجام شده است.

امنیت اخلاقی از دیدگاه رهبری عنوان کتاب جاویدی در سال ۱۳۸۹ است. نگارنده کتاب مذکور در ابتدا بیان کرده است که مبارزه با ناامنی و ایجاد امنی ت در جامعه، بخشی از اصل سوم قانون اساسی است که دولت را به ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با همه مظاهر فساد و تباهی ملزم می کند. بنابراین سخنان مقام معظم رهبری در این حوزه هم به لحاظ ولایت ایشان و هم به لحاظ سیاست گذاری های کلان ایشان در حوزه امنیت اخلاقی، با اهمیت و مورد توجه است. در بخش اول این کتاب، مفهوم امنیت اخلاقی و تاریخچه آن از دیدگاه رهبری مطرح شده و در بخش بعد، مصادیق امنیت و ناامنی اخلاقی به صورت جزئی بیان شده است. راهکارهای توسعه امنیت اخلاقی و برخورد با ناامنی اخلاقی از دیگر فصول این کتاب است. در بخش پنجم کتاب، از سخنان معظم له وظایف حکومت، نهادها و مردم درباره امنیت اخلاقی استخراج گردیده و در بخش های بعد درباره

تلاش دشمنان در اشاعه فرهنگ غربی در جهان و زنان و امنیت اخلاقی بحث شده است (شایگان، ۱۳۹۴).

اهداف تحقیق

هدف اصلی

تبیین نقش و کارکرد نیروی انتظامی ج.ا.ایران در تحقق امنیت ملی.

اهداف فرعی

- ۱- تعریف امنیت، مفهوم امنیت ملی و امنیت اجتماعی و ارتباط آنها.
- ۲- تشریح امنیت اجتماعی و تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری.
- ۳- تحلیل عمده ترین مسائل و چالشهای موجود ناجا در تأمین امنیت اجتماعی.
- ۴- شناخت نقش و کارکرد نیروی انتظامی در امنیت ملی.



سؤال های تحقیق

سؤال اصلی

نقش و کارکرد نیروی انتظامی ج.ا.ایران در تحقق امنیت ملی چیست؟

سؤال های فرعی

۱. امنیت چیست؟ چستی مفهوم امنیت ملی و امنیت اجتماعی و ارتباط آنها؟
۲. معنای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ و تهدیدهای امنیت اجتماعی از این دیدگاه کدامند؟
۳. عمده ترین مسایل و چالش های موجود ناجا در تأمین امنیت اجتماعی کدام می باشد؟
۴. چه ارتباطی بین نقش و کارکرد نیروی انتظامی با امنیت ملی وجود دارد؟

روش تحقیق

این مقاله با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه ای و با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی نقش و کارکرد نیروی انتظامی در تحقق امنیت ملی می باشد.

مفاهیم و اصطلاحات

پیشگیری:

پیشگیری به معنی احتراز و حذر کردن و محفوظ داشتن آمده است. این اصطلاح امروز در بهداشت، پزشکی، تأمین اجتماعی، کار، شغل و زندگی بیشتر مصطلح است، اما به دلیل پیچیدگی و گستردگی مشکلات و مسایل اجتماعی به مفهوم عام به میان می آید و حجیت و اهمیت پیشگیری از طریق شناسایی محققانه، ضرورت م ییابد. به مجموعه شیوه هایی نیز گفته میشود که به منظور پیشگیری از بروز و انتشار یک یا چند نوع بیماری مسری به کار برده میشود. در مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پیشگیری جهت بسیج مجموعه اعمال و تدابیر منظم، منتظم و سازمان یافته ای است که هدف آن جلوگیری از تکوین، ظهور و بروز مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و بهداشتی است (کریمایی، ۱۳۸۹).

تهدید: تهدید به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که اهداف و ارزش های حیاتی یک کشور را با هدف ایجاد تغییرات اساسی مورد هجوم قرار می دهد و غالباً نیز ریشه خارجی دارد. (شایگان، ۱۳۹۴) تهدید نقطه مقابل امنیت قرار دارد. زمانی امنیت وجود دارد که تهدید نباشد و بالعکس. هرگاه تهدیدی احساس شود، امنیت رخت برمی بندد.

حقوق شهروندی:

به مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان اطلاق میشود که امکان تملک دارایی ها، التزام به قراردادها، آزادیهای حزبی، آزادی فکر و اندیشه، فعالیتهای اقتصادی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، بهرهمندی از حداقل استاندارد رفاهی و اقتصادی، تأمین اجتماعی و حق حیات طبیعی و اجتماعی را فراهم می سازد (کریمایی، ۱۳۸۹).

انضباط اجتماعی:

انضباط در لغت به معنای سامان گرفتن، نظم و ترتیب، درستی و عدم هرج و مرج است و در اصطلاح حقوقی به مفهوم رعایت کردن مقررات در محیط (دهخدا، ۱۳۷۷) خانه، مدرسه و اجتماع را گویند. این واژه در اصطلاح حقوق اداری، اطاعت از اوامر قانونی مافوق در امور اداری تعریف میشود (کریمایی، ۱۳۸۹).

خدمات اجتماعی:

تسهیلات مورد انتظار مردم در زمینه های انتظامی، امنیتی، رفاهی و... را که بخشی از حقوق شهروندی آنان میباشد و در راستای تأمین رفاه، آسایش و اطمینان خاطر آنان از سوی نهادهای اجتماعی به منظور جلب رضایت و ارتقای منزلت اجتماعی آنان ارائه میگردد. این گونه خدمات به هر میزان دارای کیفیت مطلوب، صادقانه، دلسوزانه و در جهت رفع نیازهای مردم باشد، در تحکیم انسجام اجتماعی باشد، مطلوب تری دارد (کریمایی، ۱۳۸۹)



امنیت؛ رویکردهای نظری:

امنیت حالت فراغت از تهدید و به معنای *securus* است که از *securitas* کلمه امنیت مأخوذ از کلمه لاتین گرفته شده است (شایگان، ۱۳۹۴)، همچنین امنیت به معنای ایمن بودن و به دور بودن از مخاطرات و نگرانی است (همان). بنابراین امنیت وضعیت یا حالت رهایی از تهدیدهای زیانبار است. از نظر جوزف نای امروزه هدف بخش اعظم سیاستهای امنیتی تأمین و تضمین استقلال عمل اجتماعی، میزانی از موقعیت سیاسی، نه صرفاً تضمین بقای فیزیکی افراد در داخل مرزهای ملی است. همچنین امنیت در اندیشه اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که بحث در زوایای آن، مجال خود را می‌طلبد. اما به گونه (الامن و العافیه، نعمتان مغبون فیها کثیرا من) فشرده می‌توان گفت که در حدیث نبوی امنیت و تندرستی دو نعمتی است که بسیاری از مردمان در آن مغبوند.

امنیت: حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است. ولی امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد. مفهوم‌های مرتبط با امنیت در فارسی کلاسیک با واژه‌های **زینهار و زینهار** ادا می‌شد. (دهخدا، ۱۳۸۸)

گونه‌ها: امنیت را بسته به زمینه‌ی کاربرد می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند.

امنیت خانواده: هنگامی که خانواده و اعضای آن برای ایجاد رفاه و آسایش و امنیت شان از هر گونه مشکل و خطر بیندیشند و به حل هر چه سریع‌تر آن بپردازند.

امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه یای فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون، با تعریف و حدگذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پافراتر گذشته‌اند. امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی

می‌کند. تأمین بخشی از وظایف ایجابی دولت در تحصیل امنیت است که توسط نیروی انتظامی به عنوان نماینده قانونی دولت در قالب وظایف و مأموریتها، صورت میپذیرد تا موجب مصونیت فقدان جرم و جنایت و آسودگی خاطر احساس امنیت اعضای جامعه در فعالیتهای روزمره اجتماعی، محلهای کسب و کار و تردد، زندگی خصوصی، تعاملات اجتماعی، حفظ ارزشهای دینی و ملی، تأمین بخشی از رفاه، آسایش و در نهایت ارتقای منزلت اجتماعی آنان در شبکه ی تعاملات اجتماعی گردد. (کریمایی، ۱۳۸۹).

امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد. امروزه، کمابیش در همه ی کشورها نوعی پلیس سیاسی یا امنیتی وجود دارد که مقصود از آن بنا بر فرض، جلوگیری از نفوذ عوامل محرک و ویرانگر و جاسوس به داخل کشور و سرکوبی کسانی که از راههای غیرقانونی تهدید کننده نظم سیاسی موجود به شمار می‌آیند. هرچه نظامی تمامیت خواه تر باشد قدرت پلیس سیاسی و شدت و خشونت آن در آن نظام بیشتر است. این گونه نظامهای سیاسی که مجالی برای مخالفت علنی و قانونی نمی‌گذارند، مخالفان یا دشمنان خود را همواره به نام «دشمنان امنیت ملی» یا نامهای دیگر سرکوب می‌کنند. (افتخاری، ۱۳۹۲).

امنیت منطقه‌ای: هنگامی که یک کشور اطراف کشور دیگری را مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهد در این صورت امنیت منطقه‌ای آن کشور به هم خورده است. (همان)

امنیت بین‌المللی: حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست‌یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرت‌ها از محدوده ی خود پافراتر گذارد، از لحاظ قدرت (و یا قدرت‌های) مخالف، امنیت بین‌المللی «در خطر افتاده‌است» (همان)

امنیت سایبری: با ظهور فضای (دنیای) سایبری، کاربران یا همان شهروندان سایبری نیاز به احساس امنیت در فضای سایبری برای انجام امور خود دارند که این امنیت ابتدا با افزایش سطح آگاهی و دانش خود کاربران و سپس با کمک شرکتهای امنیتی و مراجع قانونی و پلیس‌های سایبری فراهم می‌شود.

• امنیت اقتصادی

- امنیت فرهنگی
- امنیت روانی
- امنیت ملی
- امنیت فرامحلی
- امنیت شهری
- امنیت بهداشتی

منافع ملی: ارزشهایی که بر اساس مقاصد و اهداف ملی هر کشور تعیین می شود و به تلاش عمومی ملتها جهت می دهد. برخی از اهداف برای دولتها حیاتی است که مبتنی بر ارزشهای ناسیونالیستی، دینی و نژادی است (همان).

راهبرد امنیت ملی: مجموعه تدابیر و برنامه های که رهبران کشور برای بکارگیری توان نظامی، انتظامی و اطلاعاتی اتخاذ می کنند تا امنیت داخلی و خارجی آن کشور حفظ و تبیین گردد (همان).

مبانی نظری

امنیت: مؤلفه ها و ابعاد

در معادله امنیت یک کشور مؤلفه ها و متغیرهای زیادی تأثیر می گذارند که برخی از آنها ناشی از عوامل محیط و جغرافیا و وضعیت طبیعی کشور است و برخی دیگر متأثر از عوامل و متغیرهای بیرونی و درونی م یباشند. تا آنجا که مربوط به عوامل و متغیرهای داخل کشور است، دولتها تا حدی می توانند با بهره گیری از توانایی های مختلف، آنها را به نفع خود تغییر دهند یا در فراگردهای آن اثر بگذارند (دوستدار، ۱۳۹۰) امنیت ملی به عنوان مفهومی تعمیم یافته به تمامی وجوه اجتماعی، دارای ابعادی فراتر از توان نظامی جهت حفاظت از مرزهای ملی م ی باشد. تردیدی نیست که قدرت نظامی برای حفظ استقلال ملی، یکی از مهمترین پایه های امنیت ملی به شمار م یآید، اما از آنجا که حتی در قدرت به حداقل رسانیدن هر نوع تهدید به کلی ترین تعاریف نیز، از امنیت

ملی به منزله منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشورها یاد می شود، بنابراین مؤلفه های جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تحقق این مفهوم معنا یافت هاند(همان)

رابرت ماندل نیز در کتاب چهره متغییر امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء به ارائه تعریفی از امنیت ملی می پردازد، از نظر او امنیت ملی مسئولیت حکومت های ملی است، تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. وی عنوان می دارد که نکته محوری این تعریف، بیشتر کلمه ایمنی است تا کسب آن. تعقیب از نظر ماندل، در بعد نظامی امنیت ملی، تأکید بر مسئله حفاظت مستقیم فیزیکی از قلمرو دولت و ساکنان آن فراتر رفته است و دستیابی به قدرت زیاد جای خود را به حفظ توانایی های کوچک تر، انعطاف پذیرتر و برخوردار از بهره دهی نظامی سریع تر، داده است.

بعد اقتصادی نیز از نظر وی امنیت عبارت است از، مقدار تولید کالاها و خدمات توسط یک کشور، تحت شرایط آزاد و عادی بازار، قابل عرضه در بازارهای بی نالمللی بوده و هم زمان درآمد واقعی شهروندان را نیز افزایش دهد. بعد محیطی، بر مدیریت تهدیدات فراملی نسبت به حفظ محیط زیست، مثل گرم شدن کره زمین و تخریب لایه اوزن، باران های اسیدی، جنگل زدایی بی نالمللی و ضایعات سمی، تأکید دارد و سرانجام بعد سیاسی/فرهنگی است. هدف دیدگاه ملی نسبت به امنیت سیاسی/فرهنگی، حفظ حکومت وایدئولوژی آن و نیز هویت خاص جامعه است(همان).

عنصر اصلی و معرف این مفهوم، ماهیت جامعی است که در آن امنیت به چشم می خورد. منافع یا ارزش های اصلی دولت ها همچون ابزارها و فرایندهایی که برای حمایت از آنها مورد استفاده قرار می گیرد و توانمندی هایی که برای تضمین آنها لازم است، امنیت جامع به تقویت دولت و نه افراد متفاوت و جامع میباشد، می پردازد و به رغم ارتباط کاملی که با دستور کار توسعه در دولتهای عضو آسه آن دارد، توجه خویش را معطوف دولت نموده و آن را در مرکز سیاست تگذار امنیت قرار می دهد. در این رویکرد توسعه اقتصادی روشی برای نیل به رفاه افراد جامعه بود که به منزله ابزاری برای رسیدن به هدف عال یتر و مهم تر یعنی ثبات و بقاء رژیم تلقی می شد.



شورای همکاری امنیتی در آسیا پاسفیک امنیت جامع را چنین تعریف مینماید: امنیت جامع، امنیت پایدار را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی و شخصی و در قلمرو داخلی و خارجی و از طریق ابزارهای همکاری جویانه این رویکرد به چند وجهی بودن امنیت توجه دارد تعقیب می کند علاوه بر بعد نظامی به ابعاد غیرنظامی نیز توجه میکند.

امنیت جامع حاکی است که امنیت شخص، جامعه و دولت ماهیتاً چندوجهی و چند بعدی است. در نهایت اینکه امنیت جامعه، امنیت تمام نیازهای اساسی، ارزش های اصلی و منافع حیاتی افراد و جامعه را در زمین هها و حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی و نظامی شامل م ی شود. هر چیزی که رفاه جامع انسان، جامعه و دولت را تهدید کند، چه آنهایی که منبعث از منابع خارج یا چه آنهایی که از درون یک دولت ناشی می شوند، در واقع امنیت را تهدید م یکنند. از این رو انکار دسترسی مشروع به منابع حیاتی سوخت از خارج از کشور و یا واردات مواد غذایی، اعمالی که بر درآمدهای ناشی از صادرات یک کشور شدیداً تأثیر می گذارد و شرایط و تقاضاهایی که به طور جدی رقابت و خودکفایی اقتصادی را فلج م یکنند، می تواند تهدیدهایی برای امنیت در حوزه اقتصادی قلمداد شود.

مسائل اقتصادی در صدر دستورکار تمامی دولت های محلی قرار گرفته است. مسائل عمده اقتصادی در ارتباط با امنیت عبارتند از: فقر، بیکاری، بی نظمی ها و نابسامانی های منبعث از اصلاحات ساختاری اقتصاد، اضطرابهای ناشی از زیانهای اقتصادی، ترس از تنزل توان رقابت، وابستگی به کم کهای خارجی، بار مسئولیت بدهی های سنگین، عدم کفایت انرژی و غذا و تهدید تحریمهای اقتصادی. سوء مصرف مواد مخدر، پیامدهای مخرب اجتماعی ناشی از مهاجرت های زیاد، بیمار یهای همه گیر و افت شدید معیارهای اخلاقی از جمله عواملی هستند که می توانند منجر به فساد فزاینده تهدیدات امنیت در حوزه اجتماعی شوند.

تهدیدات امنیتی در بعد سیاسی عبارتند از:

اقدامات براندازی حکومت، شورش، منازعات داخلی، آشوب ها و تندی های قومی یا مذهبی. تهدیدها نسبت به زندگی و آزاد یهای شخصی نیز در زمره این دسته از

تهدیدها قرار می گیرند. چالش های محیطی برای امنیت شامل این موارد می شوند: گرم شدن جهانی، تهدیدها علیه تنوع زیستی، جریانات مربوط به آلودگی های جوی، بهره برداری از منابع تجدیدناپذیر، آلودگی زمینی و دریایی و آسیب های محیطی که به رفاه انسانی و اقتصادی لطمه وارد می کند. مسائل مربوط به امنیت نظامی و فیزیکی عبارتند از: تهدید، تجاوز بیگانگان، حمایت از منابع در مناطق اقتصادی انحصاری، درگیری های مرزی، امنیت مسیرهای دریایی، گسترش و تکثیر سلاح های هسته ای و سایر سلاح های کشتار جمعی و افزایش قدرت نظامی اساسا دو کار ویژه یا دو کارکرد مربوط به دولت های امروزی است. این دو کارویژه عبارتند از: ایجاد نظم به معنای وسیع کلمه در داخل و حفظ تمامیت کشور و جامعه در مقابل تهدیدهای خارجی یا قدرت های دیگر. ایجاد نظم در داخل طبعا دارای ابعاد متنوع و متعددی است و نیز لایه ها و درجات مختلفی دارد. یکی از این ابعاد ایجاد امنیت است و از خود امنیت هم در سطوح مختلفی متصور است.

از آنجا که اولین تهدیدهایی که متوجه امنیت فردی و اجتماعی است، خطرهایی است که متوجه هستی، جان و مال اشخاص و نیز اموال عمومی می شود، بنابراین دولت باید خود را مجهز به ابزار و وسایلی کند که بتواند وظایف سنگین خود را در خصوص تأمین امنیت جانی و مالی به انجام برساند. بنابراین تشکیل یک نیروی انتظامی یا به هر نامی که خوانده شود، برای دولت ضرورت کامل دارد و بعد از این که امنیت جانی و مالی تأمین شد و تهدیداتی که متوجه حیات فردی و اجتماعی هست از بین رفت، آن وقت امنی تهای دیگر مانند امنیت شغلی، امنیت قضائی، امنیت فرهنگی و... مطرح میشود. در نتیجه تشکیل یک نیروی پلیس یعنی، نیرویی که وظیفه تأمین امنیت را برعهده دارد و معمولا به همین نام نامیده میشود، رابطه نزدیکی با اولین و مهم ترین وظیفه دولت، امنیت دارد.

دولت های ملی همواره در صدد استقرار امنیت داخلی برای حفظ و پیشرفت نظام خود هستند تردیدی نیست که بدون وجود امنیت هیچ برنامه ای در داخل کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصاد کشور، سرمایه گذاری، طرح ریزی برای توسعه و هرگونه فعالیتی که نیاز به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه در

گرو تأمین امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف، منافع و ارزش های اصولی و پایدار جامعه می باشد.

امنیت مفهومی فراتر از بقا و سیانت کشور دارد. به عبارت دیگر در یک مقطع زمانی ممکن است تمامیت ارضی یک کشور تأمین باشد و استقلال و حاکمیت آن نیز حفظ و برقرار باشد، اما وجود تهدیدهای جدی به این ارزش ها و منافع، زندگی سیاسی و اجتماعی کشوری را دستخوش آشوب و هراس و سردرگمی نماید. بنابراین به این دلیل سخن از ثبات و امنیت پایدار می رود.

در مجموع هرچه توان پلیسی دولتها زیادتیر باشد و بتوانند پیچیدگی های خطرهایی که امروز امنیت فردی و جمعی را تهدید می کنند زودتر کشف کنند و به شهروندان این اطمینان خاطر را بدهند که نیرویی هست تا حافظ جان و مال آنها باشد به میزان مشروعیت و محبوبیت خود می یافزایند. ابعاد دیگر این موضوع به طور محسوسی بر ثبات سیستم سیاسی اثر میگذارد. احساس ناامنی اگر در هر جامع های وجود داشته باشد، خود بخود پیامدهای دیگری را نیز به دنبال دارد و به احساس محدود نمیشود. از سوی دیگر، مردم انتظار دارند که دولتهایشان از کارایی بالایی برخوردار باشند و طبیعتاً یک بخش از این کارایی مربوط به ایجاد نظم و امنیت می شود که اولین وظیفه ای است که دولتها برعهده دارند. حتی در بخش اندیش ههای سیاسی در عصر جدید اگر از فلسفه وجودی تشکیل دولت های جدید را امنیت می دانند. یعنی قرارداد اجتماعی بربیک معامله مبتنی است. افراد آزادی خود را به یک نیروی برتر تفویض می کنند تا در مقابل، این نیروی برتر امنیت آنها را تأمین کند.

امنیت ملی پایدار:

پیچیدگی بین ابعاد و سطوح مختلف امنیت منجر به دشواری درک این مفهوم گشته است. از این رو از جمله ویژگی های بارز امنیت در جوامع معاصر، پیچیدگی ناشی از تعدد ابعاد و تنوع ارتباطات آنها با پدیده های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و... می باشد که آن را به موضوعی با حساسیت بالا تبدیل ساخته است (دوستدار، ۱۳۹۰). باور بر این است که مسائل اجتماعی، پیچیده تر از آن است که در چارچوب نگرش های تک تحلیل شود. هیچ بعدی را نمی توان به اینکه چاره، در

شناخت همه عوامل موثر و یک جانبه نگری عاملی، قرار گیرد و به صورت زیان ابعاد دیگر، فروکاست یا برآورد و درک همه جانبه شرایط به دست خواهد آمد، بنابراین از این دیدگاه امنیت مفهومی فراتر از بقاء و صیانت کشور دارد.

به عبارت دیگر در یک مقطع زمانی ممکن است تمامیت ارضی یک کشور تأمین باشد و استقلال و حاکمیت آن نیز حفظ و برقرار باشد، اما وجود تهدیدهای جدی به این ارزش ها و منافع، زندگی سیاسی و اجتماعی کشوری را به آشوب و هراس و سردرگمی دچار کند. پس به این دلیل سخن از ثبات و امنیت پایدار می رود بر همین اساس هر کشوری برای تضمین امنیت خارجی نیاز به حد معینی از ثبات

سیاسی و امنیت داخلی دارد. این امر خود تا حدود زیادی مستلزم توسعه اقتصادی است. عقب افتادگی در واقع نوعی ناامنی است؛ زیرا موجب تنش و بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی می شود. دولت مردان و مردم کشورهای جهان سوم برای توسعه اقتصادی اهمیت زیادی قائل هستند تا آنجا که برخی از آنها با صراحت می گویند که امنیت ملی از توسعه سرچشمه می گیرد و حد و شاخص توسعه، حد و شاخص امنیت ملی نیز هست. (همان).

واژه چشم انداز به یک تصویر روشن و چتر بزرگ و اسرار آمیز اشاره ضمنی دارد. اما جهتی که تحول موفقیت آمیز را هدایت میکند اغلب ساده، عادی و قابل درک برای همگان است. یک چشم مانداز اثربخش در سطح ملی، باید حداقل شش ویژگی اصلی داشته باشد که عبارتند از:

- ۱- تصویر روشن و قابل تجسم از آینده ارائه دهد؛
- ۲- مطلوب تمام قشرها و آحاد و ذینفعان جامعه باشد،
- ۳- شدنی باشد؛ اهداف واقعی و قابل حصول را شامل شود و بین آرمان ها و منابع بتواند توازن برقرار سازد؛
- ۴- شفاف و روشن باشد؛ به حد کافی و مناسب رهنمود لازم و کافی را برای تصمیم گیری ارائه دهد؛



۵- قابل انعطاف باشد. به حد کافی کلی باشد و به ابتکار عمل افراد اجازه دهد تا در شرایط متغییر، واکنشهای مختلف داشته باشند؛

۶- قابل انتقال باشد؛ انتقال چشم انداز به افراد و قشرهای مختلف ساده باشد. به طوریکه بتوان در یک مدت زمان کوتاه چند دقیقه آن را کاملاً توضیح داد(همان).

کارکرد اصلی چشم انداز، ایجاد ذهنیت مشترک، حس مشترک، معنای مشترک و عزم مشترک جهت حرکت به سمت تعالی و سعادت است. در حقیقت چشم انداز هدایت برنامه های راهبردی بلندمدت و کوتاه مدت را برعهده دارد و با دیدی دوربرد در یک افق زمانی معین، سعی در جلوگیری از انحراف برنامه ها و در نتیجه همگرایی و افزایش بازدهی آنها خواهد داشت.

ابلاغ سند چشم انداز توسط مقام معظم رهبری در آبان ماه سال ۱۳۸۲، نقطه عطفی در مدیریت، راهبری و ساماندهی حرکت کلی کشور در جهت اهداف متعالی انقلاب اسلامی بود. چشم انداز ۱۴۰۴ که به مثابه هدفی آرمانی و تحقق پذیر، انسجام بخش همه سیاست های کلی است، افق پیش روی همه قوا، دستگاه ها، نهادها و مردم عزیز کشورمان را در فضای دو دهه آینده نشان داده و مایه امید و دلگرمی در دولت و مردم و جهت دهنده به برنامه های میا نمدت و بلند مدت نظام گردید. این سند ارزشمند همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، دفاعی را در بر می گیرد و جهت گیری های خرد و کلان کشور را در این عرصه ها مشخص مینماید.

نیروی انتظامی مهم ترین سازمان و تشکیلات مسئول برقراری نظم و امنیت در کشور محسوب می گردد. این نیرو با برقراری امنیت در کنار نظم که لازمه هرگونه پیشرفت فردی و اجتماعی است امکان ادامه حیات مادی و معنوی و هرگونه توسعه ملی را فراهم می سازد.

اولین برخورد قانونی با افرادی که به طریق مختلف درصدد به هم زدن امنیت و نظم جامعه هستند، توسط کارکنان نیروی انتظامی صورت می گیرد. از دیگر سو، حضور فیزیکی عناصر نیروی انتظامی در معابر و اماکن عمومی، خود عامل پیشگیری از وقوع جرم است اهمیت و نقش نیروی انتظامی به آن حد است که به موجب قسمت

ششم از بند ششم اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی انتظامی برعهده عالی ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی مقام معظم رهبری است. همچنین در ماده سوم از قانون تشکیل نیروی هدف از تشکیل نیروی انتظامی مصوب سال ۱۳۶۹ چنین تصریح شده است

جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری بر این اساس، وظایف عمده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را می توان به شکل زیر است طرح نمود:

الف- استقرار نظم و امنیت؛

ب- تأمین آسایش عمومی و فردی؛

ج- نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی.

توجه به مفاد بند نخست از این اصل کافی است تا به نقش عمده نیروی انتظامی دراستقرار نظم و امنیت جامعه پی ببریم. از سوی دیگر، تحقق مفاد بندهای ج و ب به منصف ظهور خواهد رسید. درصورت تحقق مفاد بند الف نیز به نوبه خود، اهمیت و گستردگی وظایف و نقش خطیر این نیرو را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آشکار می سازد. (همان).

بر همین اساس میتوان اظهار داشت که پلیس از یک سو یک نیروی دولتی اجبار آمیز است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر یک نیروی مدنی است که هیچ فاصل های میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ماتصاویر و جلوه های قدرت و مدنیت پلیس را هر روزه در خیابان های شهر، رسان ه ها، درمکان های عمومی و در تشریفات و آئین های خاص مشاهده م یکنیم، مثلاً وقتی می بینیم مأمور پلیس دست دانش آموزی را گرفته و او را از مسیر خط کشی شده ویژه عابران پیاده عبور می دهد، اگر چه در لباس مأمور امنیت است، اما در آن لحظه نقش مدنی و آموزشی دارد، نه نقش اقتداری و سازمانی.

بعد نخست یعنی اقتدار دولتی پلیس، در تأمین نظم، استقرار و نگهداری امنیت متجلی می شود. همچنان که دولت نماد قدرت، قانون و نظم است، پلیس هم تجسم ویژگی های نظام سیاسی می باشد، ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می یابد. قانون محوری و سازمان گرایی حکومت باعث میشود که این اقتدار فراگیر گاه دولت مردان و سیاست مداران را هم شامل فعالیت و عمل پلیسی کند. از این منظر:

۱- پلیس تجسم نمادین نظام سیاسی است: هر مأمور پلیس نه تنها نماد اقتدار دولت از طریق تحقق و توزیع نظم در جامعه بر اساس هنجارهای قانونی و فرهنگی تعریف شده در جامعه است، بلکه واجد اقتدار و ظرفیت لازم برای تصمی م گیری در این مورد که چه اعمالی مایه نقض هنجارها می شود، می باشد.

۲- پلیس مظهر حضور فراگیر است: این اقتدار زمانی و مکانی فراگیر را به نمایندگی از جانب حکومت دارا است. این وضعیت نیروی پلیس را تبدیل به عاملی آشکار و عیان می کند که در واقع از این حیث، با سیاست چفت و بست است.

۳- کارکردهای چندگانه پلیس: کارکرد پلیس نسبت به زما نهایی قدیم از حد صرف اعمال قانون فراتر می رود. مأموران پلیس خلاءهای ایجاد شده در بطن جامعه را از راه مساعی و اشتراک عمل با مراکز و عاملان اجتماعی پر می کنند.

۴- آزادی عملی در انجام وظایف: باعث میشود نه تنها مردم بلکه سیاست مداران و حکومت را هم در بر بگیرد. در این معنا پلیس می تواند از خدمات رسانی به مقامات دولت حتی در مواردی که دارای مصونیت هستند خودداری ورزد.

۵- استفاده مشروع از زور: تنها پلیس است که در استفاده از زور برای فرایند دستگیری و حتی استفاده از خشونت مجاز است (همان).

بعد دوم، یعنی هویت مدنی و اجتماعی پلیس عمدتاً در سطح عوامل پلیس یعنی مأموران در حیطه عمل و رفتار پلیس ظاهر میشود. به این معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می یابد، پاسخگویی به دریافت کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و پلیسی محلی از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیسی می باشد، منشأ و پیدایش پاسخگویی به تعامل حوزه عمومی و قدرت،

یعنی رابطه دولت و جامعه مدنی باز میگردد. در این رویکرد مسئولیت و قدرت پلیس که به طور غیرمستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده، مستلزم و موجب پاسخگویی پلیس به حوزه عمومی یعنی مصرف کنندگان خدمات پلیسی می باشد. براساس تبیین فوق پاسخگویی پلیس به شکل نهادی سه حوزه ذیل را دربر می گیرد:

۱- پاسخگویی به ارباب رجوع یا کسانی که از خدمات پلیس استفاده می کنند.

۲- پاسخگویی به همکاران، سازمان ها و مراکز.

۳- پاسخگویی به کلیت جامعه که عملیات کامل پلیسی در آن صورت می گیرد.

وجهی دیگر از هویت مدنی پلیس در کارکرد صلح آمیز، تفاهم جویانه و همزیستی گرایانه آن با مردم دیده شده است. در نگرش های جدید، پلیس یک نیروی خشن و سرکوبگر و تنبیه کننده نیست، بلکه پلیس با وارد شدن به جهان و شبکه رفتاری و معنایی انسان ها و همدردی با ایشان با رو شهای غیرمستقیم و بسیار ظریف و اهداف دراز مدت خود که همان صلح و آرامش جامعه است، دست م ییابد. این رویکرد نگاه بسیار جدیدی به پلیس است زیرا دیگر بر نقش و کارکرد دولتی و قانونی پلیس که در آن یک مأمور پلیس صرفاً مسئول جلوگیری از دست اندازی به قوانین و مجازات متخلفان و قانون شکنان است تأکید نمی ورزد، بلکه این موقعیت و جایگاه مدنی و انسانی پلیس است که پاسداری مقوله امنیت و اهمیت نقش صلح را به ارمغان می آورد(همان).

کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه ها و بستر های عملی و روانی تأمین آن در جامعه، ازجمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده و هست و این بخصوص ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخش های نظام سیاسی به جهت ایفای هر چه بهتر رسالت خطیر آن در تأمین امنیت عمومی و امنیت ملی پایدار را می طلبد (پلیس و امنیت عمومی، ۱۳۷۹، ۲۶).

در بحث انتظامی و امنیت عمومی پلیس جهت برقراری نظم و برخورد با متخلفان، معمولا با مردم کشور مواجه می شود و استثنائاً در مواردی هم با دشمن مواجه است. برخورد پلیس غالباً با افراد متخلف و یا آلوده است، به همین دلیل زمانی که نیروی انتظامی در شرایط اضطراری برای ایجاد نظم و امنیت وارد عمل می گردد خیلی

باید با احتیاط عمل نمود، چرا که نیروهای نظامی با تاکتیک مقابله با دشمن آشنا هستند و بر همین اساس برای مواجهه با دشمن تربیت شده است. آموزش نیروهای نظامی برای مقابله و برخورد و جنگ با دشمن است، در حالی که نیروی انتظامی برای مقابله با افراد منحرف و یا ناآگاه تربیت شده است. به همین دلیل وقتی فردی از نیروی نظامی به نیروی انتظامی منتقل می‌شود لازم است آموزش‌های لازم را طی کند، چرا که او قبلاً همواره به فکر نحوه مقابله با دشمن بوده، حال آنکه اینجا باید با هموطنی مواجهه شود که به گونه دیگری می‌اندیشد و یا منحرف و فاسد است. نیروی نظامی می‌خواهد دشمن را برای همیشه براند، ولی نیروی انتظامی می‌خواهد فرد منحرف را پس از اصلاح به جامعه برگرداند (روحانی، ۱۳۸۰، ۱۷).

وظایف مهم ناجا در امنیت ملی:

۱- وظیفه ناجا در پلیس مرزبانی:

یکی دیگر از وظایف ناجا در امنیت اجتماعی که تاثیر به سزایی در امنیت ملی دارد مقوله نگهداری مرزها می‌باشد که در این خصوص همواره متحمل هزینه‌هایی می‌گردد و همواره شهدایی در این عرصه تقدیم می‌نماید که در مرزها وظیفه حراست از مرزها به منظور برخورد با مقوله قاچاق، تردهای غیر قانونی و تحرکات اشرار و گروهکهای تروریستی می‌باشد که این مقوله تاثیر مهمی در امنیت اجتماعی و امنیت ملی دارد.

۲- وظیفه ناجا در مدیریت تجمعات و اعتصابهای غیر قانونی و بحرانهای اجتماعی؛ اغتشاشات:

ناجا با آینده پژوهی؛ آینده نگری و پیش بینی و بررسی مستمر و منطقی و منظم وضعیت تحولات و موضوعات ایجاد بحران‌های اجتماعی که بستر بحرانهای امنیتی می‌گردد به منظور درک شرایط آینده و احصاء راه کارهای اصولی و انتخاب بهترین راهکارهای بازدارنده اقدام می‌نماید و با کسب آمادگی و پیش دستی و پیشگیری و در نهایت برخورد فیزیکی عمل می‌نماید. فرایند بحران به شرح ذیل می‌باشد که با مسئله؛ فراخوان، تجمع، ازدحام، تحسن و اعتصاب و راهپیمایی و تظاهرات به اغتشاش سپس آشوب و شورش تبدیل و می‌تواند به جنبش و انقلاب یا جنگ داخلی، بحران و براندازی

تبدیل شود (صفرآبادی). و ناجا در کنترل این مهم نقش بسیار مهمی دارد به طوریکه در اغتشاشات سال ۱۳۸۸ عملکرد مطلوب ناجا موید این امر می باشد.

۳- وظیفه ناجا در شورای امنیت کشور :

بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۶/۸ وزارت کشور مسئول برقراری نظم و امنیت داخلی کشور می باشد و در این خصوص به منظور بررسی جریانات و پیشنهادهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به وقایع حساس امنیتی، سیاسی، اجتماعی کشور شورای امنیت به مسئولیت وزیر کشور برگزار که فرمانده ناجا نیز یکی از اعضای ثابت این شورا از مجموع ۶ عضو دیگر می باشد و علاوه بر شورای امنیت کشور در استانها، شهرستانها و بخشها نیز نیروی انتظامی عضو شورای تامین می باشد (مسجدی). و این امر به وظیفه خطیر ناجا در بحث امنیت داخلی که خود عامل مهم امنیت ملی می باشد اشاره دارد.

تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام:

با تدبیر در آیات قرآن، تهدیدهای زیر درباره امنیت اجتماعی قابل ذکر است:

۱- ظلم و بی عدالتی:

ظلم در حق مردم به معنای تضییع حقوق جان ی، خانوادگی و آبرویی مردم است. یکی از بارزترین مصادیق ظلم در حق مردم، حاکمیت یافتن به ناحق است. قرآن نیز بیان شده: این نوع ظلم را حاکمان و در صاحبان قدرت سیاسی مرتکب می شوند. مجازات بر کسا نی است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند، برای آنان عذاب دردناکی است (سوره شوری، ۴۲). بنابراین ظلم به مفهوم عام آن، شامل امور خلاف حق و قوانین خدا در جامعه می گردد، زیرا همه آن ها در غیر جایگاهی که باید قرارگیرند، به کار می روند.

۲- استبداد:

استبداد که در قرآن کریم با واژگانی مانند ستم، نافرمانی، جور و شرک بیان شده است، سطوح مختلفی دارد که از نافرمانی خداوند آغاز می شود، سپس به طغیان در

روابط میان انسان ها و در آیات قرآن کریم نیز بیان : ستم انسان به نفس خود منجر می شود شده است. (شایگان، ۱۳۹۴). اذهب إلی فرعون إنه طغی (سوره طه، ۲۴) اینک به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است.

۳- تبعیض:

منظور از تبعیض، ترجیح دادن بعضی بر برخی دیگر در امور مشترک به ناحق است. مدیران شایسته باید بدانند که هیچ آفتی مانند بی عدالتی و تبعیض در میان افراد، به یأس و دلسردی افراد و مردم و فروپاشی بنیان اجتماع منجر نمی شود (شایگان، ۱۳۹۴).

۴- بی تفاوتی به امور جامعه:

یکی از عواملی که جامعه را در سراسیمگی سقوط قرار می دهد، بی تفاوتی است. ترک ب متفاوتی به خیر و شر جامعه و ترک امر به معروف و نهی از منکر، ضمن لطمه به جامعه، به ترک سایر دستورهایی دین، همکاری با ستمگران و بسیاری از مفسد اجتماعی نیز می انجامد. در قرآن بیان شده است : به یاد آر هنگامی را که گروهی از آن ها به گروه دیگر گفتند: چرا جمعی گنهگار را اندرز می دهید که سرانجام خداوند آن ها را هلاک خواهد کرد یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟ گفتند: برای اعتدال و رفع مسئولیت در پیشگاه پروردگار شماست ، به علاوه شاید آن ها بپذیرند و تقوا پیشه کنید (سوره اعراف، ۱۶۴).

۵- بی کفایتی مسئولان و مدیران:

امام علی (ع) فرمودند: چهار چیز باعث شکست دولت ها می شود: ضایع کردن اصول مسائل مهم و سرگرم شدن به فروع امور کم اهمیت و به کار گماردن آدم های پست و کنار گذاردن انسانهای فاضل (غرر الحکم، ۳۴۲).

دیدگاههای حضرت امام (ره) پیرامون امنیت اجتماعی:

در کلام امام خمینی (ره) سخنانی میتوان یافت که بر حفظ و امنیت حریم خصوصی انسانها تأکید شده است. ایشان در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضاییه و دیگر ارگانهای اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر

نمودند، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان، و آزادیهای شخصی و فردی آنها به ویژه امنیت قضایی به مواردی تصریح میکنند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است. در این نامه، به دولت و کارگزاران حکومتی دستور می دهند که امنیت در حوزه خصوصی افراد را به دلیل لزوم اسلامی کردن تمام ارگانهای دولتی به ویژه دستگاههای قضایی و لزوم جانشین شدن احکام ... در نظام حکومت اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم سابق رعایت کنند. پاره‌های از بندهای نامه مذکور، که به فرمان هشت ماده‌های نیز مشهور شده است، به اختصار عبارت است از:

۱- احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که براساس موازین شرعی است، جایز نیست و تخلف از آن موجب تعزیر میشود؛

۲- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول افراد، بدون حکم شرعی، مجاز نیست. ورود به مغازه و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحبان آنان برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است؛

۳- شنود تلفنها و استماع ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست. علاوه بر این تجسس درباره گناهان دیگران و دنبال کردن اسرار مردم ممنوع و فاش کردن اسرار آنان جرم و گناه است؛

۴- تجسس در صورتی که برای کشف توطئه و مقابله با گروه‌های مخالف نظام اسلامی که قصد براندازی دارند و کار آنها مصداق افساد در زمین است انجام شود، مجاز است. البته در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت شود و یا با دستور دادستان باشد زیرا تعدی از حدود شرعی است؛

۵- هنگامی که مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل و محل کار شخصی و خصوصی افراد شوند و با آلات لهو، قمار، فحشا و مواد مخدر برخورد کنند، حق ندارند آن را افشا نمایند. و هیچ کس محق نیست حرمت مسلمانان را هتک کند.

و نیز فرمودند:

باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت کنند و قوای نظامی، انتظامی، سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود

و کشور بدانند و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند، سعادت دنیا و آخرت است و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است موارد مذکور گویای نظر صریح و مکتوب امام خمینی (ره) درباره حقوق مردم در حوزه خصوصی و شخصی است. در موارد شمرده شده، مردم از امنیت و آزادی برخوردار هستند و حتی با احکام قضایی نیز این امنیت و آزادی سلب شدنی نیست، مگر در موارد مشهود و نیز مواردی که ضوابط شرعی و قانونی در آنها به طور کامل لحاظ شود. (کریمایی، ۱۳۸۹).

شاخصه های امنیت اجتماعی و راهکارهای ایجاد آن از نظر امام خمینی (ره) عبارت است از:

الف- اطمینان بخشیدن به مردم؛

ب- احترام به مال و آبروی مردم و حفاظت از آن؛

ج- حفظ حریم مردم و مبارزه با مظاهر فساد؛

د- تعامل با سایر قوای مسلح برای ایجاد امنیت؛

ه- همگامی با مردم در ایجاد نظم و امنیت.

توصیه های امام خمینی (ره) به حافظان امنیت:

آن که می خواهد با ناامنی مبارزه کند، خود باید درونی امن و به دور از ناپاکی و شرارت داشته باشد تا ما خودمان را اصلاح نکنیم، نمیتوانیم بگوییم که ما یک اشخاصی هستیم که برای خدا داریم کار میکنیم و میخواهیم مردم را اصلاح کنیم الان ما مکلفیم، همه مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان مسئول کارهای دیگران هم هستیم. کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت، همه باید نسبت به هم و همه باید نسبت به دیگران رعایت بکنند و مسئولند (کریمایی، ۱۳۸۹).

دیدگاه های مقام معظم رهبری پیرامون امنیت اجتماعی:

اهم دیدگاه مقام معظم رهبری در توصیف امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی و احساس امنیت به شرح زیر میباشد.

امنیت در جامعه متعلق به همه است، پلیس نیز متعلق به همه مردم می باشد، تنها کسانی باید احساس ناامنی کنند که درصددند امنیت مردم را متزلزل کنند و بر آن آسیب وارد نمایند؛ امنیت یکی از اساسی ترین و اصلی ترین نیازهای یک ملت و کشور است.

مهم ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می آید که در محیط کار، زندگی، تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند؛ امنیت یک مقوله اساسی است. امنیت اجتماعی، فردی، امنیت در همه محیطهای زندگی، امنیت فکری و معنوی و روانی، همه اینها جزء انتظارات مردم است؛ بنده باز هم با صدای بلند اعلام میکنم که مسئولان کشور در قوای سه گانه، با فقر، فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند و اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را... تأمین کنند، راهش مبارزه با همین هاست؛ بزرگترین خصوصیت و نیاز اجتماعی جامعه، چند خصوصیت است؛ یکی از این چند خصوصیت امنیت است، اگر امنیت نباشد، بسیاری از خیرات جامعه از آن جامعه رخت بر خواهد بست، امنیت را در بخش عظیمی از زندگی و حیات اجتماعی و فردی مردم، نیروی انتظامی تأمین میکند. این را باید نعمتی از خدا متوجه خود بدانید؛ معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود، احساس خوف، تهدید و ناامنی نکنند. این مسئله خیلی مهم است. آحاد ملت برای این که بتوانند در محیط کسب و کار، فعالیت اجتماعی و زندگی خصوصی، کار صحیح خود را انجام دهند و حتی به عبادت خدا با دل آرام و خاطر جمع مشغول باشند، محتاج امنیت هستند. برای تأمین این نیاز عمومی لازم است که از طرف حاکمیت اعمال قدرت شود. حکومت اسلامی که مظهر قدرت الهی و قدرت مردم در جامعه است، باید با اقتدار این خواست عمومی انسانها را تأمین کند؛ امنیت اخلاقی یکی از مهم ترین مقولاتی است که مردم به آن احتیاج دارند. ناامنی اخلاقی این است که مردم در محیط جامعه و در کوچه و خیابان نتوانند طبق اعتقادهای دین و ایمان خود آسوده و بی دغدغه حرکت کنند و با مناظری مواجه شوند که وجدان دینی آنها را آزرده میکند و تأثیر اخلاقی به روی جوانان آنها می گذارد. باید از امنیت فرهنگی و اخلاقی مردم دفاع کنید (خطاب به ناجا)، احساس امنیت عمومی در سطح جامعه از مهمترین نیازهای اساسی ماست، احساس امنیت یعنی این که مردم در محیط های شخصی و اجتماعی، کسب و کار و

محیطهای عبادت، هنگام تفریح، مسافرت، بیم و خوف و هراس نداشته باشند و وجود نیروی انتظامی امنیت این اطمینان خاطر را در آنها ایجاد کند (برگرفته از فرازهای فرمایشات رهبری).

الف) مهم ترین توصیه های مقام معظم رهبری به نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی و احساس امنیت:

انتظارات:

- تأمین و حفظ امنیت اسلامی و شهروندی مردم؛
- پلیس به عنوان نماد تأمین احساس امنیت مردم؛
- خدمت گزاری به مردم و ارائه خدمات امنیتی، انتظامی و رفاهی به صورت ؛
- صادقانه، دلسوزانه و مخلصانه به مردم؛
- پلیس به عنوان مظهر اقتدار قدرت، عزت و رحمت حاکمیت به مردم؛
- پلیس به عنوان مأمّن، ملجأ و پناهگاه و امنیت مردم در تأمین امنیت؛
- دینداری و پایبندی به اصول و گسترش روح ایمان و تقوا در کلیه ردههای پلیس؛
- قانونمندی و رعایت حقوق مردم در تأمین امنیت؛
- کلان نگری در امنیت و تأمین امنیت همه مردم کشور؛
- صیانت نفس، رعایت تقوا و مراقبت از خود در برابر نفوذ فرهنگی و اخلاقی دشمن؛
- جلب رضامندی مردم با ارائه خدمات مطلوب و تأمین امنیت؛
- هوشیاری، دقت، مراقبت، قاطعیت، سرعت عمل، پیگیری در انجام مأموریتها؛
- حفظ و مراقبت از همدیگر(نهادهای و نیروهای مسلح) و تعامل و اعتماد به هم در انجام مطلوب مأموریتها؛

- پیشگیری از جرم با تقویت حضور مقتدرانه در همه نقاط کشور؛
- دفاع از امنیت اخلاقی، معنوی و فرهنگی مردم؛
- حفظ ارزشها و اشاعه آن در جامعه؛
- سالم سازی محیط اجتماعی مردم؛
- رعایت اصول اخلاقی و اخلاق اسلامی در انجام مأموریتها و وظایف؛
- عدم افراط در واگذاری برخی مأموریتهای اصلی به بخش خصوصی؛
- ارتقای کارآمدی، قابلیتها و توانمندی در تأمین امنیت مردم؛
- جلب اعتماد و مشارکت دادن مردم در امور محوله؛
- هدفگذاری و شاخصبندی و رصد کردن آن در تأمین امنیت جامعه؛
- الگوبودن و تأثیر در خلیقات مردم در رعایت هنجارها؛
- حفظ آبرو، عرض و حیثیت مردم در انجام مأموریتها. (کریمایی، ۱۳۸۹).

امنیت اجتماعی از منظر قانون اساسی:

تأمین امنیت اجتماعی از وظایف مهم نظام سیاسی و دولت به حساب میآید. حوزه و گستره امنیت اجتماعی، بستگی به تصویری دارد که نظام سیاسی از دولت و ساختار و هدف خود میدهد. از آنجا که محور اصلی در این بحث، قانون اساسی جمهوری اسلامی است و در این زمینه به بررسی جایگاه امنیت اجتماعی در قانون اساسی پرداخته شده است.

با توجه به اندیشه سیاسی اسلام و لزوم هدایت و به سعادت رساندن مردم، انقلاب وایدئولوژی انقلاب اسلامی، حوزه‌های امنیت اجتماعی در ابعاد قضایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و انتظامی قابل ترسیم است که بیانگر جامعیت نظری، گستردگی و حداکثری دولت در نظام اسلامی است. از این جهت، حقوقی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای انسان ترسیم شده از لحاظ نظری جامعیت دارد و تمام حقوق و نیازهای انسان را تحت الشعاع قرار می دهد. این است. این امنیت جامعه حقوق که در ارتباط با اجتماع، نظام سیاسی و جمع است، حوزه حقوق باعث امنیت بخشی به

جامعه، حداقل از لحاظ نظری می‌شود. پس به طور کلی در نظام جمهوری اسلامی با توجه به قانون اساسی از یک طرف سطح توقع و انتظارات مردم بالا می‌رود و از طرفی سطح و حوزه امنیت و آرامش آنها گسترده می‌شود. در این زمینه چون دولت و نظام سیاسی خود را متصدی امور متفاوت مردم معرفی کرده، برای مردم، آسایش ذهنی و روانی به وجود می‌آورد. در نهادگرایی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه حوزه های متفاوت حقوقی و قضایی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و انتظامی اصول و حقوقی به اجتماع و دولت جمهوری اسلامی مربوط می‌شود و جزء اهداف جامعه نظام سیاسی قرار گرفته و برای مردم و افراد جامعه و اجتماع امنیت بخش است و از آنجا که به جامعه و نظام سیاسی ارتباط پیدا می‌کند و در جمع و اجتماع مطرح می‌شود و تأثیر دیگران بر آنها بیش از تأثیر خود فرد، است در بر آوردن یا عدم برآوردن آنها در زیر مجموعه امنیت اجتماعی آورده شده اند. که در پنج حوزه زیر می‌باشد:

۱- حوزه حقوقی و قضایی؛

۲- حوزه اقتصادی؛

۳- حوزه فرهنگی و اجتماعی؛

۴- حوزه سیاسی و اداری؛

۵- حوزه نظامی.

امنیت اجتماعی از منظر سند چشم انداز بیست ساله:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتوی ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله؛ ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل جامعه ایرانی در افق این چشمانداز، چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

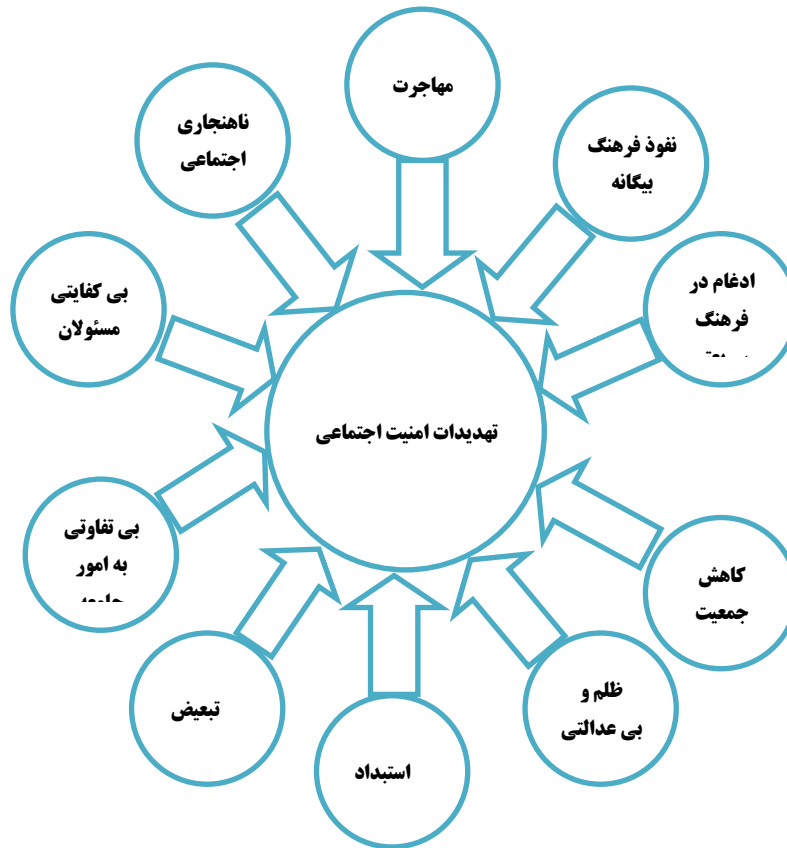
توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت

اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی؛ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛ امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛ برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب؛ الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی تأثیرگذار برهمگرایی اسلامی و منطقیهای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره) دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

از جمع بندی مباحث نظری فوق می توان تهدیدهای امنیت اجتماعی را از دیدگاه صاحب نظران و نیز از دیدگاه قرآن در نمودارهای زیر ذکر کرد:

الف) تهدیدهای امنیت اجتماعی:

چنانچه در شکل ذیل دیده می شود، ده تهدید برای امنیت اجتماعی از مبانی نظری استخراج شده است که بخشی از آن ها به اقدامات دولت ها برمی گردد: مانند تبعیض، استبداد و ظلم وامثال آن که هویت گروه های اجتماعی را تهدید می کند. بخشی دیگر به عوامل محیطی واجتماعی مربوط است، مانند رقابت ناسالم بین گروه ها، کاهش جمعیتی مهاجرت اعضای گروه.

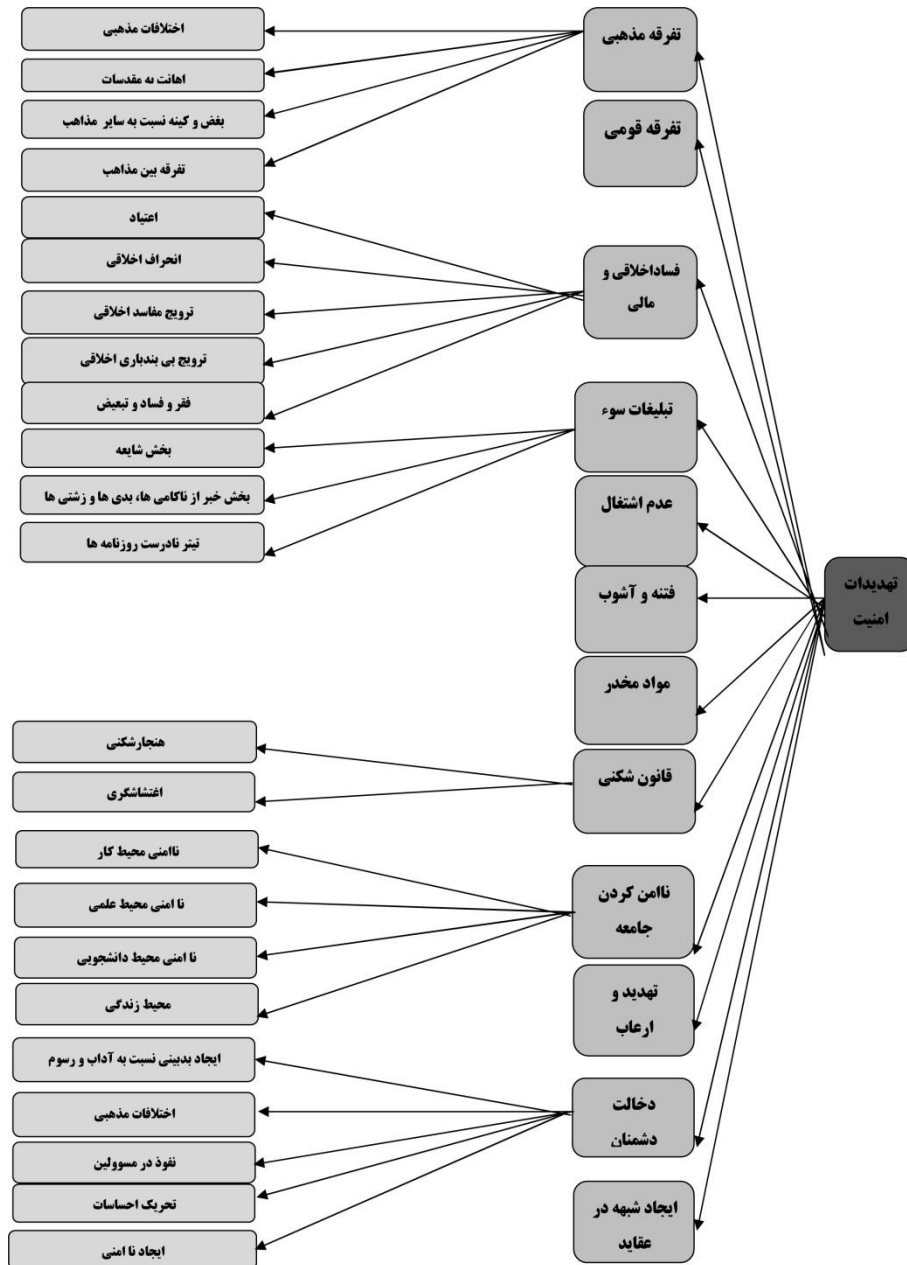


ب) تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری:

شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارباب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبهه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی، دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان است که هر کدام می توانند موجب بروز ناامنی اجتماعی شوند.

تفرقه قومی و اختلاف بین اقوام از معیارهای علمی مشخص و تأیید شده تهدیدهای امنیت اجتماعی است که مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی های متعدد درباره آن سخن گفته و آن را نقشه دشمنان از اول انقلاب تاکنون دانسته اند. ایشان این گونه اختلاف ها را برخلاف نظر اسلام و قرآن دانسته و بر علما لازم دانسته اند که همگان را

از این نیت دشمنان مطلع کنند و از واکنش های سنجیده عصبی که موجب افزایش ناامنی اجتماعی می شود، جلوگیری نمایند.





نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی نقش و کارکرد نیروهای مسلح در تحقق امنیت ملی با تاکید بر نقش ناجا در تأمین نظم و امنیت اجتماعی برای تحقق اهداف راهبردی کشور می باشد.

بنابراین با یک جمع بندی کلی می توان گفت: برای کسب قدرت مورد نیاز در تحقق اهداف اصلی چشم انداز، تولید امنیت انتظامی به معنای انجام مجموع های از طرح ها و اقدامهایی است که حالتی را منجر می شود و در آن واحدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... منافع حیاتی خود را با هیچ تهدید جدی مواجه نمی بیند و مجموعه ای از فعالیتها را شامل می شود تا بتواند با ایجاد بسترها و زمینه های عدم بروز تهدید، شرایطی را به وجود آورد تا واحد سیاسی خود را در برابر تهدید های نوین ایمن ساخته و یا زمینه های بروز تهدیدها را کاملاً منتفی کند.

تولید امنیت انتظامی از یک سو با وجوه و سطوح دیگر امنیت در چارچوب امنیت انسانی و ملی مرتبط است و از سوی دیگر خود مفهومی مستقل میباشد که می تواند تولید شود. با این وصف می توان گفت که تولید، حفظ و توسعه امنیت انتظامی طیفی از فعالیتها و اقدام ها را در بر می گیرد که یک طرف آن با رفع موانع آغاز شده و در طرف دیگر گسترش منافع و امنیت را شاهد خواهیم بود. (دوستدار، ۱۳۹۰)

وظیف ناجا در مرزبانی و کنترل بحران ها و اغتشاشات و همچنین عضویت ناجا در شورای امنیت کشور خود نکات مهمی در نقش کلیدی ناجا در امنیت ملی می باشد.

همگی این اهداف در سایه استقرار امنیت داخلی محقق می شوند و لازمه استقرار امنیت داخلی به توانمندی پلیس است و در این راستا اولویت های ناجا به شرح ذیل میباشند:

۱- توجه به محیط در تولید امنیت:

الهام بخش بودن تعالی کشور باید از طریق تحقق مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی و... ایجاد شود. بنابراین اگر در شکل گیری این مقدمات که بخش فراوانی از آنها مربوط به ساماندهی و توسعه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داخلی است خللی ایجاد گردد، هدف الهام بخش بودن به چالش کشیده خواهد شد. بنابراین در تولید امنیت انتظامی باید به محیط نیز توجه نموده و تغییر

اثرگذار آن را در نظر گرفت. منظور از امنیت انتظامی محیطی، ایجاد وضعیتی است که در صورت به وجود آمدن تغییر و تصرف گوناگون در محیط بتواند بسترهای ایجاد حالت امن را فراهم کند. برخی بر این باورند که تولید امنیت در شکل محیطی آن، همان پیشگیری از وقوع جرم است زیرا تولید امنیت انتظامی محیطی که رویکرد محیطی به امنیت دارد، طراحی، آماده سازی و حتی ساختار عمران محیطی است که در آنها بسیاری از جرایم وضعیت ظهور نداشته و یارشد آنها دارای شرایط مناسب نخواهد بود. (وفادار، وانایی، ۱۳۹۰).

۲- تأکید بر امنیت ایجابی به جای امنیت سلبی:

در شکل سنتی پلیس، نگاه به امنیت عمدتاً سلبی است و به سه بخش اصلی خدمات اجتماعی، ایجاد نظم و کنترل جرایم تقسیم می شود. این سه بخش، سه سبک عملیات پلیسی قانونی، نظارتی و خدماتی را نشان می دهند. اولویت هر یک از آنها نشانه رویکرد پلیس به امنیت انتظامی با توجه به شرایط مختلف کشورهاست (همان).

پلیسی که بر موضوع خدمات اجتماعی بیشتر متمرکز شده است، آسودگی خاطر یا مسئله نبودن جرایم در آن کشور بالاتر است. در این رهیافت، خدمات اجتماعی به موضوع هایی مثل گذرنامه و کمک به افراد، به ویژه در شرایط فوریتی می پردازد. در مقوله ایجاد نظم، مباحث امنیت درون شهری، امنیت برون شهری، کنترل مراکز حساس، امنیت مرزها و ضابطان قضایی اولویت می یابد. در بخش کنترل جرایم، مبارزه با مفاسد اجتماعی، قاچاق و مبارزه با مواد مخدر نگاه سنتی دارد، آنچه اهمیت دارد، اولویت است فعالیت غیر انتظامی در جامعه است و به یک معنا، وظیفه اصلی پلیس

مهم ترین وظیفه پلیس در این خصوص، اعمال قانون و دستگیری مجرمان است. به همین دلیل، دسترسی ۲۴ ساعته، اقتدار برای اعمال روز و داشتن اختیار امروری است. این شرایط نمی تواند ما را در تحقق اهداف سند کمک نماید و باید امنیت ایجابی را در این خصوص دنبال نمود.

۳- تشکیل پلیس جامعه محور:

هدف از تشکیل پلیس اجتماعی آن است که پلیس در هر محله یا منطقه خاص، به امور اجتماعی از جمله کمک به کاربایی مجرم ان پس از تحمل مجازات یا کمک به امور جاری آن پردازد شناخت نیروهای بالقوه و فعال از سوی پلیس و سازماندهی آنها برای تشکیل جامعه امن در محله، می تواند نقش مهمی در ایجاد آرامش و امنیت مبتنی بر مشارکت مردم داشته باشد. (همان).

۴- ایجاد امنیت روانی در جامعه:

ایجاد احساس امنیت در سطح جامعه، با القای روانی کاهش پیامدهای جرم، از شاخص ها و مؤلفه های جدی است که میتواند وضعیت روانی حاصل از وقوع جرایم را پایین تر از وضعیت طبیعی نشان دهد. (همان)

۵- تأمین امنیت جانی برای شهروندان:

نیروی انتظامی وظیفه اصلی و عمده خود را در امنیت اجتماعی می بیند، و مشارکت آن در تولید امنیت به آن سطحی از جامعه امن نگاه می کند که با رفع تهدیدهای انتظامی در سطح اجتماع یا کاهش تهدیدها سروکار دارد و آنرا می توان مقوله ای دانست که به شفافیت مأموریت های نیرو کمک می کند این نوع امنیت، رویکرد پلیس جامعه محور را نیز در بر گرفته و مؤلفه های آن را توضیح می دهد. بنابراین تولید امنیت جانی در سطح اول امنیت انتظامی قرار دارد، یعنی ایجاد وضعیتی برای احاد اجتماع که در آن افراد اجتماع جان خود و بستگانشان را در برابر تهدیدها جدی نبینند. (همان).

۶- رفع تهدیدهای مالی از افراد جامعه**۷- تأمین امنیت جماعتی و گروهی****۸- تأمین امنیت قومیت ها:**

جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن موقعیت خاص ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، در معرض تهدیدهای ناخواسته قرار دارد از جمله موضوع قومیت و اقلیت ها و جلوگیری از واگرایی آنها یک دستور کار دایمی و همیشگی خواهد داشت. هنگامی که اقلیت ها

وقومیت ها، متناسب با رویکردهای خاص خود، مهم ترین منابع حیاتی شان یعنی آیین، آداب، رسوم، زبان، هویت و منطق ههای سکونتی و... را در برابر تهدیدهای جدی مشاهده نکنند، به نوعی به ایمنی خاطر، امنیت روانی و انتظامی با حفظ منافع حیاتی، در چارچوب امنیت جانی و مالی دست می یابند که این شرایط را باید تولید امنیت انتظامی برای قومیت هادانست. (همان).

۹- تلاش در جهت رفع تهدیدهای فراملی:

در حالتی که تهدیدهای نظامی به سمت تهدیدهای تمام عیار یعنی جنگ حرکت کند یا تهدیدهای نسبتاً شدیدی به صورت مستمر و مداوم وجود داشته باشد، توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی به طور محسوس کند، متوقف یا معکوس خواهد شد. با توجه به اینکه اهداف توسعه از اهمیت استراتژیک و امنیتی برخوردار هستند سیاست ها و استراتژی ها باید به پیشگیری از تهدید نظامی معطوف باشد و هزینه اقدامات پیشگیرانه با هزینه های عدم دسترسی به اهداف توسعه مقایسه گردد. زیرا پس از وقوع تهدید جنگ، مسلماً منابع دفاعی اولویت می یابند.

در معنای کلی، کالایی که پلیس عرضه می کند، امنیت است در نتیجه، عملکرد آندر مشروعیت بخشی یا مشروعیت سوزی نظام سیاسی انعکاس بیشتری دارد و با مباحث امنیتی فراملی یا مباحث امنیتی که ثبات نظام سیاسی را به خطر می اندازد ارتباط چندانی ندارد و اگر چنین شرایطی در کشوری پدید آید مسئولیت اصلی پیگیری آن بر عهده دیگر

دستگاه هاست، اما وظیفه پلیس دور کردن بحرا نها برای جلوگیری از بدل شدن آنها به مسئله امنیت ملی است. در عین حال، در امور داخلی کشورها، پلیس قدرتی است که همه دولت ها برای اجرای قواعد رسمی از طریق کاربرد زور یا تهدید به زور از پلیس استفاده می کنند. (همان)

۱۰- مشارکت در رفع تهدیدهای فرامرزی:

ایفای نقش در عملیات بشر دوستانه یا حوزه امنیت انسانی برای کمک به افراد آسیب دیده در سیل، زلزله، قحطی و بحرا نهایی اجتماعی مثل شرایط جنگ از نقش های جدید پلیس است که تنها در قلمروی یک کشور خاص نمیباشد، بلکه به شرایط



فرامرزی نیز قابل تسری است. برای جلوگیری از سر ریز شدن مسائل امنیتی بیرونی به مرزهای داخلی، به ویژه پیامدهای امنیتی انتظامی شرایط موجود در کشورهای همسایه باید ناامنی را در منطقه اصلی پیگیری کرد. در این شرایط، مسئولیت پلیس تنها کمک به اداره شهر، جلوگیری از وقوع جرم و آموزش پلیس محلی نمی باشد بلکه ارسال مایحتاج عمومی و کنترل اوضاع به روش های مختلف در مبادی اصلی بی نظمی نیز حائز اهمیت خواهد بود. (همان)

با توجه به اینکه جست و جوی امنیت از مهمترین نیازها و انگیزه های انسانی است. مهم ترین نیاز هر جامعه خواه یک طبقه یا قبیله و خواه یک قوم یا کشور، برقراری امنیت آن جامعه و افراد آن است که مسئولیت تعقیب و تأمین آن به عهده حکومت ها و دولت هاست. امروز دولت ها به صورت مهمترین واحد سیاسی در صحنه روابط داخلی و خارجی درآمده اند و مهم ترین هدف آنها تلاش برای برقراری امنیت همه جانبه و گسترش دامنه آن است. از طرفی مردم نیز در رابطه با برقراری امنیت فیزیکی همراه با رفاه اقتصادی و هویت اجتماعی خود بیشترین انتظار را از نهادهای سیاسی جامعه دارند. با توجه به مباحث مطرح شده به نظر میرسد بتوان ویژگی های نیروهای انتظامی را در تحقق امنیت ملی به شکل ذیل خلاصه نمود:

در سایه تحقق اهداف چشم انداز ج. ا. ایران اقتدار نهادهای مسئول امنیت داخلی از مردم ناشی می شود و پلیس سازمانی است از مردم، با مردم و برای مردم. برقراری نظم و امنیت عمومی، با رعایت حقوق و آزادی های فردی و ایجاد تعادل و توازن بین این دو مقوله انجام خواهد پذیرفت. نیروهای پلیس با برخورداری از آموزش های تخصصی و هوش و درایت کافی، توانایی حل این تعارض را دارند. سازمان های امنیتی انتظامی متناسب با تحولات اجتماعی، به طور مستمر سیاست ها و خط مشی های خود را بررسی و تجدید نظر می کنند. پلیس تعدد و تکثر آرا و عقاید را به رسمیت می شناسد و آن را موجب تقویت امنیت به معنای واقعی کلمه می داند. حیات و استمرار فعالیت دستگا ههای امنیتی و انتظامی، منوط به رضایت مردم خواهد بود. مردم به توانایی پلیس تا حدود زیادی اطمینان داشته و اخبار مربوط به جرایم ارتكابی و حتی موارد مشکوک را در اسرع وقت به پلیس اطلاع خواهند داد. وظایف و اختیارات هر یک از نهادهای مسئول در چارچوب راهبرد امنیتی کشور، تعیین و تبیین شده و هر بخش وظایف خود

را به نحو مطلوب انجام می دهد. پلیس خود را ملزم به رعایت حقوق و آزادی های افراد محروم از آزادی و محکومان دانسته و پدیده های ناامنی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی می پذیرد و نسبت به بررسی علل و عوامل آن و ارائه راهکارهای لازم اهتمام می ورزد. در این افق تأکید بر پیشگیری است و توسل به سخت افزارهای امنیتی و ابزارهای کیفری یک امر استثنایی است که با رعایت قوانین و مقررات امکان پذیر است. نهادهای امنیتی انتظامی، تدابیر متعددی را برای حمایت از بزه دیدگان و افراد در معرض خطر اتخاذ و به مرحله اجرا در می آورند. سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها مبتنی بر پژوهش و داده های حاصله از مطالعات و تجربیات امنیتی انتظامی است و بدون تحقیق تصمیم گیری نخواهد شد. جامعه و پلیس از رفتارهای نابهنجار و ضد ارزش و جرم بودن برخی اعمال، برداشت نزدیکی دارند. پلیس از طریق ایجاد ارتباط نزدیک و قانونمند با وسایل ارتباط جمعی، از این رسانه ها برای اطلاع رسانی و ارائه آموزش های امنیتی به مردم بهره میگیرد.

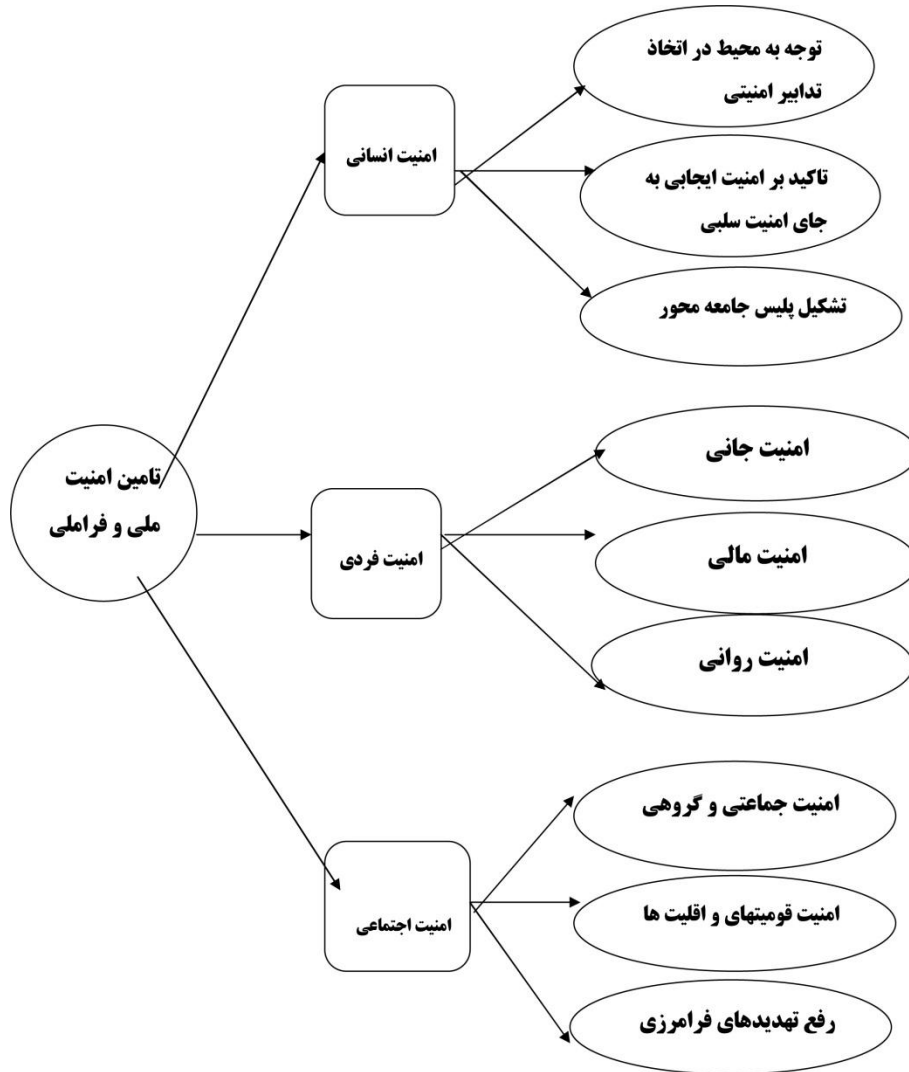
پلیس خود را در قبال نیا زهای امنیتی و اجتماعی شهروندان مسئول می داند و خدمات متعددی را در این زمینه ارائه می کند. شهروندان و کلیه سازمان های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، خود را در تأمین امنیت جامعه سهیم، شریک و مسئول می دانند.

بنابراین نقش ناجا به عنوان عامل برقراری امنیت اجتماعی، فردی و انسانی که مهمترین مقوله های امنیت انتظامی هستند مشخص و مبرهن می باشد که این مهم از مهمترین عوامل تأمین امنیت ملی و فراملی هستند و نمودار زیر نماینگر این موضوع می باشد که برای تحقق اهداف سند چشم انداز نیز از اولویتهای کشور می باشد.



مقوله های امنیت انتظامی

اولویتهای ناجا



پیشنهادهای

- ۱- سهم آسیبهای داخلی و تهدیدهای خارجی در به چالش کشیدن اهداف چشم انداز کشور باید روشن شود و به تناسب بین استراتژی های داخلی و خارجی امنیت ملی توازن برقرار گردد و هماهنگی که تهدیدهای شدید امنیت ملی مانند تهدید نظامی، تحقق اهداف چشم انداز را با مشکلات جدی روبه رو می کند و در صورت بروز چنین تهدیدی باید با آن مقابله کرد باید تهدیدهای داخلی نیز مشخص شده و زمینه های مقابله با این تهدیدها معین گردند.
- ۲- تولید امنیت انتظامی مهمترین اولویت نیروی انتظامی است و می بایست تمامی ظرفیت ناجا برای تحقق آن صرف گردد.
- ۳- در تولید امنیت انتظامی حفظ و توسعه آن نیز باید مدنظر باشد زیرا نمی توان بدون در نظر گرفتن حفظ و توسعه امنیت، مباحث مرتبط با تولید را دنبال نمود؛
- ۴- شاخص های امنیتی که نشانگر وضعیت طبیعی و استقرار شرایط امن در جامعه است باید تقویت شوند و در این راستا:
 - الف) طرح ها و اقداماتی که با شناخت تهدیدها و کشف جرایم به جلوگیری از وقوع یا گسترش تهدیدها و آسیب ها منجر می شوند اجرا گردند؛
 - ب) در برخورد با جرایم و تهدیدها به منظور حفظ وضع عادی و کنترل امنیت، به ویژه در برخورد با جرایم تهدید کننده جانی تسریع شود؛
 - ج) آگاهی های مردمی و پلیسی نسبت به وقوع خشونتها و بروز کشمکش هایی که بروز تهدیدهای جانی و مالی را به همراه دارند افزایش یابند.
- ۵- تقویت پلیس مرزبانی و پیشگیری به منظور افزایش ضریب امنیت با تکنولوژی روز دنیا.
- ۶- افزایش حقوق و مزایای کارکنان پلیس به منظور کاهش آسیبها و تهدیدات آنان و تحکیم امنیت



منابع

- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴)، معمای امنیت عمومی؛ درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه درکنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۲)، امنیت ملی، رهیافتها و آثار، تهران، نشرنی.
- امیدوار، احمد، (۱۳۷۹)، امنیت- امنیت ملی به ابعاد نظری و راهبردهای عملی در مجموعه مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- دوستدار، رضا، (۱۳۹۰)، مقاله نقش نیروهای مسلح در امنیت ملی با تاکید بر نقش ناجا، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۰.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۶). مدخلی بر مفاهیم و دکترینهای امنیت ملی مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- چگنی زاده، غلامعلی، (۱۳۷۹)، رویکردی نظری به مفهوم امنیت ملی در جهان سوم، مجله سیاست خارجی، شماره ۱.
- خلیلی رضا، (۱۳۸۴)، تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم امنیت در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خوش فر، غلامرضا؛ (۱۳۸۰)، بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پازدهم، شماره ۱۶۴.
- رضایی میرقائد، محسن و علی مبینی دهکردی، (۱۳۸۵) ایران آینده در افق چشمانداز تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روحانی، حسن، (۱۳۸۰)، امنیت عمومی، امنیت ملی و چالشهای فراروی، مجله راهبرد ۴۲ شماره ۲۰.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین المللی تهران؛ انتشارات سمت.
- سیمبر، رضا، (۱۳۷۹)، بازنگری مفهوم امنیت در عرضه روابط بین الملل، مجله سیاست خارجی، شماره ۳.
- شاکری، سیدرضا، (۱۳۸۱)، پلیس و مردم و امنیت عمومی تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.
- قالیباف، محمد باقر، (۱۳۸۴)، راهبردهای تأمین امنیت اجتماعی در شرایط تحول نسلی درکنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.

- فمری، یوسف پلیس، (۱۳۸۸)، امنیت و قانون گذاری در چشم انداز ۱۴۰۴، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریمائی، علی اعظم، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال سوم، پاییز ۱۳۸۹، مقاله رویکرد ایجابی به امنیت اجتماعی و نقش ناجا در تأمین آن.
- کریمی، زهرا، (۱۳۸۶)، پابندی به اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و یکم، مرداد و شهریور، شماره ۲۳۹.
- کالدول، دانیل، (۱۳۸۲) رابطه تهدیدها با امنیت در دنیای جهانی شده، ترجمه مسعود آرایایی نیا، مجله راهبرد، شماره ۲۹.
- ماندل رابرت، (۱۳۷۷)، چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز ج.ا.ایران، ظرفیتها و بایستگیها، چالشها و فرصتها، (۱۳۸۰) جلد چهارم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- نصیری، حسین، (۱۳۸۴)، امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال نوزدهم، مرداد و شهریور ۸۲، شماره ۲۵۲.
- صفر آبادی، (۱۳۹۵)، جزوه مدیریت بحران های امنیتی، دانشگاه علوم انتظامی.
- مسجدی، (۱۳۹۵)، جزوه ساختار امنیتی کشور، دانشگاه علوم انتظامی.